

## روش شناسی کلامی شیخ طوسی در پاسخ به شبهات مهدویت، با تأکید بر کتاب الغیبه

اسدالله مصطفوی<sup>۱</sup>

اکبر روستائی<sup>۲</sup>

### چکیده

آموزه «مهدویت» از برجسته‌ترین اندیشه‌هایی است که در نگرش ایجابی و سلبی فرقه‌های اسلامی جای گرفته است. پس از غیبت صغرا، فقدان امام حاضر و طرح سوال‌های تردید برانگیز درباره امام غایب و انگاره‌های نوپدید علیه نظرگاه امامیه؛ سبب شد که اندیشمندان امامی، نظیر شیخ طوسی در صدد پاسخ‌گویی به شبهات برآیند. تحقیق فراپیش با روش توصیفی-تحلیلی، شیوه شیخ طوسی را در پاسخ به شبهات مهدویت در کتاب «الغیبه»، بررسی کرده است. واکاوی روش شیخ، افزون بر ارائه الگوهای متناسب با عصر حاضر در عرصه پاسخ به شبهات مهدویت؛ به فراهم کردن زمینه‌های جدید در تعمیق پژوهش‌های مهدوی کمک می‌کند. بر اساس یافته‌های پژوهش، رویکرد شیخ طوسی در پاسخ‌گویی به شبهات فرقه‌های مختلف، علاوه بر کاربست روایات؛ از اجماع، دلایل عقلی، دانش رجال و درایه و اصول بهره گرفته است. در شبهات مفروض نیز افزون بر دلایل عقلی، از تاریخ و آیات قرآن و روایات استفاده کرده است.

**واژگان کلیدی:** شیخ طوسی، الغیبه، مهدویت، روش شناسی.

---

۱. استادیار گروه فلسفه و کلام دانشگاه بین‌المللی أهل بیت (علیهم‌السلام) (نویسنده مسئول). Asadollahmostafavi@yahoo.com

rustaei@chmail.com

۲. دانشجوی دکتری تاریخ اسلام، دانشگاه باقرالعلوم (علیه‌السلام).

## مقدمه

پس از شهادت امام حسن عسکری علیه السلام، غیبت امام دوازدهم و پیشامدهای مربوط به آن؛ از مهم‌ترین مسائل پیش روی امامیه بود. فقدان امام حاضر، سبب سرگردانی و چند دستگی آنان شد؛ تا جایی که شیعیان امام یازدهم علیه السلام در مواجهه با مسئله امام پس از ایشان، به ۱۴ فرقه مختلف منشعب شدند (نوبختی، ۱۳۸۶: ص ۸۴). از سویی، پیروان دیگر فرقه‌های مخالف شیعه نیز با مطرح کردن شبهات علیه امامیه، سرگشتگی حاکم بر جامعه را دو چندان کردند؛ تا جایی که به تعبیر نعمانی: «شکوا جمیعا إلا القلیل فی امام زمانهم»؛ بیش‌تر افراد درباره امام دوازدهم علیه السلام در تردید بودند (نعمانی، ۱۴۲۲: ص ۲۸). براساس عوامل یادشده، عالمان شیعه همچون نعمانی، شیخ صدوق و شیخ مفید به مهدویت و مسائل مربوط به آن پرداختند. شیخ طوسی نیز به عنوان یکی از عالمان تراز اول شیعی به نگارش کتاب‌ها و آثاری در تبیین مقوله غیبت و پاسخ به شبهات مربوط به امام غایب اقدام کرد؛ چنان‌که در بیان انگیزه تألیف کتاب «الغیبه» به همین نکته اشاره کرده است (شیخ طوسی، ۱۴۱۱: ص ۱).

با توجه به محور بودن کتاب «الغیبه» شیخ طوسی در این پژوهش و جایگاه ویژه ایشان به عنوان یکی از نویسندگان کتب اربعه؛ تحقیق پیش رو سعی دارد با ارائه نظام وارهای، روش شیخ طوسی را در پاسخ‌گویی به شبهات مهدویت مورد واکاوی قرار دهد.

براساس تتبع فراوان، تاکنون تحقیقی با مسئله پژوهش حاضر یافت نشد. مقاله «مقایسه رویکرد مهدویت نگاری شیخ صدوق و شیخ طوسی»، توسط محمد جواد صداقت کشفی و عباس همای (صداقت کشفی و همای، ۱۳۹۶)؛ به مقایسه رویکرد شیخ صدوق و شیخ طوسی در کتاب‌های «کمال الدین و تمام النعمه» و «الغیبه» پرداخته است. در پژوهش مذکور، نگارنده ساختار صوری و محتوای کلی هر دو کتاب را بررسی و مقایسه کرده و روش هر دو محدث را بدون تقسیم بندی و تفکیک شبهات، ناظر به مباحث کل کتاب مطرح کرده است. در مقاله «تحلیلی بسترشناسانه درباره کتاب الغیبه شیخ طوسی» (احمدی کچایی، ۱۳۹۳)؛ نویسنده بر ارائه تحلیل زمان شناختی از کتاب الغیبه متمرکز شده است. وی ضمن تحلیل محتوایی این کتاب، به صورت گذرا به روش کلی شیخ در بررسی مباحث غیبت امام، بدون تفکیک شبهات مطرح شده؛ اشاره کرده است. در کتاب «بررسی توصیفی و تحلیلی کتاب الغیبه شیخ طوسی» (رستمی،



۱۳۹۲)؛ نگارنده ضمن بیان امتیازهای کتاب الغیبه، آن را از حیث حدیث پژوهی و محتوا شناسی معرفی و گونه‌های تفکر مهدوی در عصر شیخ را نیز بیان کرده است؛ ولی به روش شناسی شیخ طوسی در زمینه پاسخ به شبهات مهدویت پرداخته است. در پایان نامه کارشناسی ارشد، با عنوان «بررسی مهدویت در آثار شیخ طوسی» (صبا، خرداد ۱۳۹۱)؛ نگارنده در پی استخراج دیدگاه‌های شیخ طوسی در خصوص مباحث مهم و اساسی مهدویت نظیر، تاریخ و شخصیت امام مهدی، نائبان و مدعیان، غیبت، انتظار و ظهور در کتاب الغیبه و دیگر آثار شیخ طوسی بوده است.

نوشتار فرارو، با تمرکز بر شبهات مهدویت انعکاس یافته در کتاب الغیبه؛ به روش شناسی پاسخگویی شیخ طوسی پرداخته است. بدیهی است بررسی روش شیخ طوسی در پاسخ گویی به شبهات مهدویت، زمینه‌های جدیدی را در شبهه پژوهی مهدوی ایجاد می‌کند.

### الف) مروری بر زیست نامه شیخ طوسی

«محمد بن حسن»، مشهور به «شیخ طوسی» از اندیشمندان بنام شیعه، در سال (۳۸۵ ق) در شهر نوقان طوس متولد شد. وی پس از گذراندن تحصیلات مقدماتی به شهرهای نیشابور، ری، قم و سپس بغداد مهاجرت کرد. عالمان دانش رجال با صفات ممتازی او را ستوده‌اند؛ همانند جلیل فی أصحابنا، ثقة، عین (نجاشی، ۱۴۱۶: ص ۴۰۳)؛ شیخ الامامیه، رئیس الطائفة (حلی، ۱۴۱۷: ص ۲۴۹) و شیخ الشیعة و صاحب التصانیف (ذهبی، ۱۴۱۳: ج ۱۸، ص ۳۳۴). وی در سال ۴۰۸ ق در درس شیخ مفید حاضر شد و در همین دوره کتاب تهذیب الاحکام را نگاشت (طهرانی، ۱۳۸۹: ج ۴، ص ۵۰۴). در سال ۴۴۹ ق، خانه شیخ در کرخ مورد چپاول و غارت مخالفان قرار گرفت (ابن اثیر، ۱۴۱۵: ج ۸، ص ۳۳۹ و ابن جوزی، ۱۳۵۸: ج ۱۶، ص ۱۶). این رخدادها سبب هجرت شیخ طوسی به نجف گردید (أمین، ۱۴۰۳: ج ۹، ص ۱۶۰). ایشان در سال ۴۶۰ ق از دنیا رفت (شیخ طوسی، ۱۴۱۷: ص ۸-۱۴).

### ب) نگاهی اجمالی بر کتاب الغیبه

کتاب «الغیبه»، اثر شاخص شیخ طوسی در موضوع مهدویت، در هشت فصل سامان یافته



است:

- فصل اول: اثبات لزوم وجود امام و وجوب عصمت وی، نقد عقاید نحله‌های انحرافی، بیان فلسفه غیبت و اثربخشی امام در دوره اختفا و برخی موضوعات دیگر؛
- فصل دوم: اثبات ولادت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف با تکیه بر سنجه عقل و روایات؛
- فصل سوم: ذکر روایات دیدار کنندگان با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف؛
- فصل چهارم: معجزات و توقیعات حضرت در زمان غیبت؛
- فصل پنجم: بازگفت موانع ظهور امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف؛
- فصل ششم: بررسی وکیلان و سفرای امام عجل الله تعالی فرجه الشریف؛
- فصل هفتم: بیان موضوعات مهم مهدوی، مانند عمر حضرت و نشانه‌های ظهور؛
- فصل هشتم: بازگویی برخی از صفات امام عجل الله تعالی فرجه الشریف و سیره اخلاقی ایشان.

### روش شناسی پاسخگویی شیخ طوسی به شبهات مهدویت

شیخ طوسی در طلعه کتاب الغیبه، مباحث اثباتی را بیان کرده و بر پایه دو اصل «واجب بودن امام معصوم در هر زمان» و «وجوب امامت امام دوازدهم»؛ نظرگاه‌های فرقه‌های مختلف درون شیعی را به چالش کشیده است. افزون بر این، اشکال‌های مفروضی دیگری را مطرح کرده که حاکی از شبهات موجود در جامعه علمی آن روزگار است. گفتنی است شبهات فرقه‌های گوناگون و اشکال‌های فرضی به صورت پراکنده، در پنج فصل اول کتاب الغیبه گسترده است. از این رو، رسالت نوشتار پیش‌رو بر این نکته قرار گرفته که پس از دسته‌بندی شبهات طرح شده، به روش شناسی شیخ طوسی در پاسخ به شبهات مهدویت بپردازد و در این زمینه طرح نظام واره‌ای ارائه کند.

#### ۱. شبهات فرقه‌های مختلف

شیخ طوسی شبهات چهارده گروه از فرقه‌های پدید آمده درون امامیه را کاوش کرده و به فراخور اثر‌گذاری و وسعت آن‌ها، این شبهه‌ها را مورد ارزیابی قرار داده است:



## ۱-۱. سبائیه

به اعتقاد «سبائیه»، امیر مؤمنان عَلَيْهِ السَّلَام همچنان زنده‌اند (طوسی، ۱۴۱۱: ص ۱۹۲). از این رو، شیخ این اعتقاد را با مهدویت امام دوازدهم عَلَيْهِ السَّلَام در تناقض دیده؛ به همین سبب، با کاربری دلیل عقلی، شك در شهادت حضرت امیر عَلَيْهِ السَّلَام را تردید در رحلت پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و حتی تمامی صحابه دانسته است (همان، ص ۱۹۳). شیخ در ادامه با استناد به چهار روایت به نقل از جابر بن عبدالله انصاری و صفوان بن یحیی (همان، ص ۱۹۴)؛ مبنی بر پیشگویی و وصیت پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به حضرت امیر عَلَيْهِ السَّلَام درباره شهادت آن حضرت؛ اندیشه فرقه یاد شده را با روش نقلی نقد کرده است.

## ۱-۲. کیسانیه

باور «کیسانیه» بر مهدویت محمد بن حنفیه استوار است (همان، ص ۱۸ و ۱۹۵). شیخ در رویارویی با این شبهه، شش دلیل ارائه کرده است:

۱-۲-۱. شهادت حجرالاسود به امامت امام سجاد عَلَيْهِ السَّلَام؛

۲-۲-۱. روایات متواتر در اثبات امامت ایشان (همان، ص ۱۸). شیخ طوسی در این زمینه به ذکر دو روایت از فضیل بن یسار و حسین بن ثویر بن ابی فاخته (همان، ص ۱۶۰ و ۱۹۵) بسنده کرده است؛

۳-۲-۱. اخبار متواتر از زبان رسول خدا بر امامت ائمه دوازدهگانه (همان، ص ۱۹)؛

وی در این خصوص، به ۱۱ روایت از اهل تسنن و ۱۴ روایت از شیعه اشاره کرده است (همان، ص ۱۲۷، ۱۵۵)؛

۴-۲-۱. لازمه اعتقاد به امامت دوازده امام معین، یقینی بودن رحلت محمد بن حنفیه است (همان، ص ۱۹)؛

۵-۲-۱. نصی بر عصمت محمد بن حنفیه وجود ندارد (همان، ص ۱۸)؛

۶-۲-۱. انقراض فرقه کیسانیه دلیل باطل بودن آن است (همان، ص ۱۹).

گفتنی است شیخ در سه محور نخست، با کاربری دلیل نقلی و در سه بخش دیگر با استفاده از دلیل عقلی، پندار این فرقه را نقد کرده است.



### ۱-۳. ناووسیه

«ناووسیه»، به امامت امام صادق علیه السلام، زنده بودن و مهدی بودن آن حضرت معتقد است (همان، ص ۲۱). شیخ نخست با تکیه بر دو دلیل عقلی، پندار ناووسیه را به چالش کشیده است: ۱-۳-۱. تردید در شهادت امام صادق علیه السلام، امکان شك درباره شهادت ائمه قبل را به دنبال دارد (همان، ص ۲۱ و ۱۹۶)؛

۱-۳-۲. این نظریه سفسطه است (همان، ص ۲۱)؛ چه این که در سفسطه، قضایای شبه حق، به جای حق به کار می‌روند (خوانساری، ۱۳۷۴: ص ۲۲۶) و مبدأ آن، مقدمات شبیه مشهورات یا شبیه یقینیات است (مصباح یزدی، ۱۳۸۴: ج ۲، ص ۱۹۲). شیخ بر این باور است که ناووسیه برای اثبات مدعای خود، بدین گونه عمل کرده‌اند و با تشکیک در شهادت امام صادق علیه السلام و سوء استفاده از مفهوم مهدویت، به دنبال اثبات پندار خویش هستند.

شیخ سپس سه دلیل نقلی مبنی بر شهرت مسئله شهادت امام صادق علیه السلام و صحت امامت امام کاظم علیه السلام (طوسی، ۱۴۱۱: ص ۱۹۶)؛ متعین بودن امامت در دوازده نفر (همان) و صحت روایات وصیت امام ششم و تعیین جانشین توسط آن حضرت (همان، ص ۱۹۶-۱۹۷)؛ ذکر کرده است.

### ۱-۴. فطحیه

شیخ در نقد باورمندان به امامت عبدالله، فرزند امام صادق علیه السلام (همان، ص ۸۵)؛ بر پایه دلایل عقلی و نقلی، وجود عصمت امام، اعمال و کردار عبدالله را با عصمت ناسازگار دانسته و در نتیجه نظریه امامت وی را ابطال کرده است (همان).

### ۱-۵. واقفیه

فرقه «واقفیه» (سبحانی، بی تا: ج ۸، ص ۳۷۹ و فرمانیان، ۱۳۸۷: ص ۱۳۳)؛ که در منابع نخستین از آن به عنوان «واقفیه» یاد شده است (شهرستانی، ۱۴۰۴: ج ۱، ص ۱۶۹)؛ به مهدی موعود بودن امام کاظم علیه السلام باورمند هستند (طوسی، ۱۴۱۱: ص ۲۳ و ص ۱۹۸). به نظر می‌رسد گستردگی این دسته و اثر گذاری آنان بر فضای حاکم بر جامعه، شیخ را بر این واداشته که بیش از سایر فرقه‌های انحرافی باور این گروه را مورد واکاوی قرار دهد. وی در دو بخش به ارزیابی آنان پرداخته است:



## نخست: نقد باور واقفیه

شیخ در نقد اعتقاد «واقفیه»، ابتدا با ذکر شش روایت، شهرت و استفاضه احادیث شهادت امام کاظم علیه السلام را یاد آور شده است (همان، ص ۲۳-۳۲) و سپس هفده روایت از امام کاظم علیه السلام درباره امامت امام رضا علیه السلام نقل (همان، ص ۳۲-۴۲) و بیان می کند در صورت زنده بودن امام هفتم علیه السلام نیازی به سپردن امامت به امام رضا علیه السلام نبود (همان، ص ۳۲). در حقیقت، شیخ طوسی در بخش اخیر، از روایات یاد شده، نتیجه ای عقلی استخراج کرده است. شیخ در نهایت با ثبت هشت روایت درباره کرامات امام رضا علیه السلام (همان، ص ۷۱-۷۶)؛ بر صحت امامت آن حضرت استناد کرده و عقیده واقفیه را در خصوص مهدی بودن امام کاظم علیه السلام به چالش کشیده است.

## دوم: رد دلایل آن ها

شیخ طوسی در این بخش، چهل روایت مورد تمسک واقفیه را ذکر کرده است. قبل از پرداختن به نقد روایات واقفیه، گفتنی است احادیث مورد استناد آنان از جهت محتوا، به پنج دسته قابل انقسام است:

۱. انتساب صفت قائمیت به امام کاظم علیه السلام: واقفیه در این خصوص به پنج روایت از ابن یسار (همان، ص ۴۳)؛ یزید الصائغ (همان، ص ۴۴)؛ حسن بن هارون (همان، ص ۴۸) و دو روایت از عبدالله بن سنان (همان، ص ۴۸ و ۵۳)؛ استناد کرده است.

۲. همنام موسی بودن قائم: واقفیه با اتکا بر شش روایت از ابن سعید مدائنی (همان، ص ۴۵)؛ حنان بن سدیر (همان)؛ زید شحام (همان، ص ۴۶)؛ محمد بن مروان (همان)؛ دو روایت از ابو خالد کابلی (همان، ص ۵۷)؛ امام کاظم علیه السلام را مهدی و نجات دهنده امت، همچون حضرت موسی علیه السلام در برابر فرعون خوانده است.

۳. صاحب الامر خواندن امام کاظم علیه السلام: واقفیه بر پایه شش روایت از عبدالله بن غالب (همان، ص ۴۹)؛ اسماعیل البزاز (همان، ص ۵۰)؛ حازم بن حبیب (همان، ص ۵۴)؛ اعین بن عبدالرحمن (همان، ص ۵۶)؛ عبدالله الرجانی (همان، ص ۵۷)؛ ابی عبدالله النعمان (همان، ص ۵۸)؛ عبدالله الکاهلی (همان، ص ۵۹)؛ ابو بصیر (همان، ص ۶۰) و مفضل بن عمر (همان، ص ۶۱)؛ امام هفتم علیه السلام را به عنوان صاحب امرامت عنوان کرده است.

۴. اقامه عدل و داد در زمین توسط امام کاظم علیه السلام: واقفیه بر اساس چهار روایت از ابو ولید طرائفی (همان، ص ۴۸)؛ صارم بن علوان جوخی (همان، ص ۵۰)؛ اسماعیل بن منصور زبالی (همان، ص ۵۱)؛ یحیی بن اسحاق علوی (همان، ص ۵۲) و بقباque (همان، ص ۵۳)؛ امام کاظم علیه السلام را اقامه کننده عدل و داد در زمین معرفی کرده است.

۵. فرج امت به دست امام کاظم علیه السلام: واقفیه با نقل روایت ابوبصیر (همان) و روایت مفضل بن عمر (همان، ص ۵۸)؛ فرج و گشایش امور امت را به امام هفتم علیه السلام نسبت داده است. شیخ طوسی ذیل هر روایت، به نقد آن پرداخته است که از مجموع نقدهای پراکنده وی، سه روش مستفاد می‌گردد:

### ۱. قاعده عدم حجیت خبر واحد در اثبات امور اعتقادی

بر پایه دیدگاه شیخ طوسی، با خبر واحد نمی‌توان عقاید را ثابت کرد (طوسی، ۱۴۰۱: ج ۱، ص ۶-۷ و طوسی، بی تا: ج ۱، ص ۳۴۴-۳۴۵). شیخ در مواجهه با این روایات با کاربست اصل یادشده روایت ابن یسار، «یزید صائغ، ابن سعید مدائنی، محمد بن مروان، ابو خالد کابلی، حسن بن هارون، اعین بن عبدالرحمن، علی بن رباط و ابوبکر الأرمی را بی اعتبار دانسته است. به اعتقاد وی، اولین دلیل بر بطلان اخبار واقفیه این است که شیعیان و مخالفان، به آن‌ها اعتماد نکرده‌اند (طوسی، ۱۴۱۱: ص ۶۳).

### ۲. تضعیف سند روایت

شیخ طوسی راویان احادیث واقفیه را نیز جرح کرده است. روایت یزید صائغ را با تعبیر «رجاله غیر معروفین»، تضعیف (همان، ص ۴۴) و روایت حنان بن سدیر را نیز به دلیل سستی سند و عدم استناد به یکی از ائمه علیهم السلام فاقد اعتبار دانسته است (همان، ص ۴۶).

### ۳. بررسی دلالت روایت

شیخ طوسی روایات واقفیه را به لحاظ دلالت نیز واکاوی کرده است. وی با کاربرد شیوه بازگفت مفهوم روایت، تأویل بردن روایت، بیان احتمالات آن و تبیین تناقض روایت با مبنای واقفیه، احادیث آنان را از نظر دلالتی تضعیف کرده است:





الف) بیان معنای دقیق روایت: شیخ طوسی روایت حدید ساباطی را در واقع تکذیب کسی دانسته که مدعی است امام کاظم علیه السلام بدون وصیت و انتخاب جانشین از دنیا رفته است؛ زیرا امام علیه السلام وصیت کرد و وصی او جانشین امام علیه السلام شد (همان، ص ۵۷). وی روایت عبدالله الکاهلی (همان، ص ۵۹)، «مفضل بن عمر، (همان، ص ۶۱)، علی بن معاذ (همان، ص ۶۲) و بقباقه (همان) را با همین روش تبیین کرده است.

ب) تأویل روایت: «تأویل» عبارت است از برگرداندن لفظ از معنای ظاهری آن به معنای پنهانی که از دیدگاه تفسیر کننده موافق کتاب و سنت باشد (جرجانی، ۱۴۰۵: ص ۷۲ و سیوطی، ۱۴۲۴: ص ۳۹). شیخ طوسی در سنجش شماری از نقل‌های مورد استناد واقفیه، روایات ذیل را با بهره‌گیری از روش تأویل معنا و مفهوم، رد کرده است: ابن یسار (طوسی، ۱۴۱۱: ص ۴۴)، یزید صائغ (همان)، ابن سعید مدائنی (همان، ص ۴۵)، محمد بن مروان (همان، ص ۴۶)، ابو خالد کابلی (همان، ص ۴۷)، حسن بن هارون (همان، ص ۴۸)، عبدالله بن سنان (همان، ص ۴۸ و ۵۳)، عبدالله بن غالب (همان، ص ۴۹)، اسماعیل البزاز (همان، ص ۵۱)، اعین بن عبدالرحمن (همان، ص ۵۶)، عبدالله الرجانی (همان، ص ۵۷)، مفضل بن عمر (همان، ص ۵۸)، ابی عبدالله النعمان (همان، ص ۵۹)، ابو بصیر (همان، ص ۶۰)، مفضل و عبدالرحمن بن حجاج (همان، ص ۶۱).

به عنوان نمونه، شیخ طوسی در بیان تأویل روایت ابن یسار که امام صادق علیه السلام فرمود: «لا ینسجنی والقائم أب»؛ می‌گوید: چه بسا معنای روایت این باشد که میان من و «قائم» ارتباط پدری و فرزندی نیست؛ یا این که من و او از يك پدر نیستیم. اگر مقصود، احتمال اول باشد، به امام زمان بودن موسی بن جعفر علیه السلام تصریح نشده است. از سویی ممکن است بر اساس احتمال دوم، مقصود امام، غیر از امام کاظم علیه السلام باشد؛ یعنی ممکن است «قائم»، فردی غیر از امام هفتم علیه السلام باشد که امام صادق علیه السلام و آن فرد، فرزند يك پدر نیستند؛ چنان که فتحیه بر این باورند که پس از امام صادق علیه السلام فرزندش، عبدالله افطح امام است و عبدالله و امام صادق علیه السلام فرزند يك پدر نیستند، بلکه عبدالله پسر امام است. با توجه به این احتمال، احتجاج به این روایت که امام کاظم علیه السلام، «قائم» است؛ باطل می‌باشد؛ چون در این صورت، روایت یاد شده در نظر واقفیه متعین نیست و با نظر فتحیه نیز قابل جمع است (همان، ص ۴۴).



ج) بیان احتمالات: شیخ طوسی در نقد روایات یادشده، افزون بر کاربست شیوه تأویل، احتمالات ممکن را عنوان کرده است. وی در روایت ابن یسار، مقصود امام را به احتمال «رد کردن دیدگاه اسماعیلیه» دانسته است (همان) و در دو روایت ابو خالد کابلی نیز انگیزه و هدف امام را به احتمال، رد کسانی دانسته که امام زمان عجل الله تعالی فرجه الیه را اولاد اسماعیل بن جعفر یا دیگران می‌دانند (همان، ص ۴۷). روایت احمد بن حارث را نیز دال بر رد دو دیدگاه منکران بقای قائم عجل الله تعالی فرجه الیه در این مدت طولانی و یا مدعیان از دنیا رفتن ایشان می‌داند (همان، ص ۶۰).

د) تبیین تناقض روایت با مبنای واقفیه: شیخ طوسی بر ناسازگاری برخی از احادیث واقفیه، نظیر روایت داود بن زربی (همان، ص ۵۱) و ابی عبدالله النعمان (همان، ص ۵۹)؛ با دیدگاه خود واقفیه تاکید کرده است.

#### ۱-۶. محمدیه

فرقه «محمدیه» به امامت و مهدویت محمد بن علی، فرزند امام هادی علیه السلام اعتقاد دارند (همان، ص ۸۲ و ۱۹۸). شیخ طوسی برای رد اعتقاد آن‌ها از کاربست روش روایی بهره برده است. وی در این زمینه چهار حدیث بر اثبات امامت امام حسن عسکری علیه السلام (همان، ص ۱۹۸. ۲۰۰) و ده روایت با محوریت معجزات و کرامات ایشان (همان، ص ۲۰۳. ۲۱۸) و چهار روایت مبنی بر وفات ایشان در زمان امام هادی علیه السلام (همان، ص ۲۰۰. ۲۰۳)؛ ثبت کرده است.

#### ۱-۷. معتقدان به زنده بودن امام عسکری علیه السلام

شیخ در بطلان باور این گروه، با کاربرد دلیل نقلی و عقلی، پس از استدلال به علم و آگاهی نسبت به شهادت امام یازدهم (همان، ص ۲۱۸)؛ بر روایات شهادت امام تاکید ورزیده است. وی با بسنده کردن به ذکر يك حدیث، نظریه حتمی بودن شهادت امام عسکری علیه السلام را قوام می‌بخشد (همان، ص ۲۱۸. ۲۱۹). افزون بر این، در ادامه انقراض این فرقه را دلیل بر بطلان آن‌ها می‌داند؛ زیرا در صورت حقانیت، سرنگونی بی‌معناست (همان).

#### ۱-۸. معتقدان به رجعت امام عسکری علیه السلام

گروهی معتقدند که امام یازدهم علیه السلام پس از رحلت زنده می‌شود و او همان مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الیه است. پاسخ این فرقه نیز بر پایه آمیخته‌ای از دلایل عقلی و نقلی بیان شده است.

شیخ معتقد است بر اساس آنچه در اثبات شهادت امام عسکری علیه السلام بیان شد (همان، ص ۲۲۰)؛ بطلان عقیده یاد شده اثبات می‌گردد. افزون بر این، پندار زنده شدن امام پس از شهادت به دلیل نیازمند است. همچنین لازمه پذیرش این ادعا، قبول سخن مدعیانی همچون واقفیه، از سوی معتقدان به رجعت امام یازدهم علیه السلام است (همان)؛ در حالی که این فرقه ادعای واقفه را نمی‌پذیرند. از طرفی، افزون بر شهادت امام عسکری علیه السلام (همان)؛ روایات امامیه گویای خالی نبودن زمین از حجت است؛ در حالی که قبول عقیده فرقه مذکور، با خالی بودن زمین از حجت از زمان شهادت امام حسن عسکری علیه السلام تا رجعت ایشان، ملازم است (همان، ص ۲۲۰-۲۲۱). روایات ائمه دوازده‌گانه نیز دلیلی دیگر بر بطلان این ادعا است؛ زیرا امام عسکری علیه السلام یازدهمین امام است (همان، ص ۲۲۱). قائلان به این اعتقاد نیز منقرض شده‌اند؛ در حالی که اگر حق بودند، نباید از بین می‌رفتند (همان).

#### ۹-۱. معتقدان به فترت پس از امام عسکری علیه السلام

گروهی به فترت پس از شهادت امام یازدهم علیه السلام معتقد شده‌اند. شیخ طوسی در پاسخ این دسته، بر دلیل عقلی تاکید کرده است؛ چنان که بر پایه این نظریه، عالم هستی در دوران فترت بدون امام است؛ در حالی که بر اساس دلایل عقلی و شرعی، زمین از حجت خالی نمی‌ماند (همان). تمسک این فرقه به فترت انبیا نیز صحیح نیست؛ زیرا فترت به معنای خالی بودن زمان از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است که ما آن را در هر حال و در همه زمان‌ها واجب نمی‌دانیم (همان). انقراض این فرقه نیز دلیل بر بطلان آن‌ها است (همان).

#### ۱۰-۱. معتقدان به امامت برادر امام عسکری علیه السلام

پس از رحلت امام یازدهم علیه السلام، گروهی به امامت جعفر بن علی معتقد شده و امامت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را انکار کردند. شیخ طوسی با کاربرست ادله روایی، عقلی و نیز آمیخته‌ای از هر دو، اعتقاد این گروه را نقد کرده است. به اعتقاد یقینی امامیه؛ پس از امام حسن و امام حسین علیه السلام امامت در دو برادر جمع نخواهد شد (همان، ص ۸۵ و ۲۲۵). وی در اثبات این مطلب به ذکر سه روایت بسنده کرده است (همان، ص ۲۲۵-۲۲۶). افزون بر این، بر اساس دلایل عقلی، امام باید از همه امت به احکام الاهی عالم‌تر باشد؛ در حالی که جعفر از علم بهره‌ای نداشت (همان، ص ۲۲۲).



همچنین اگر این فرقه بر حق بودند، منقرض نمی‌شدند (همان). از سوی «عصمت» شرط امامت است؛ در حالی که سیره و سلوک جعفر بن علی با عصمت منافات دارد (همان، ص ۲۲۲ و ۲۲۶). شیخ در اثبات مطلب یاد شده، دو روایت ذکر کرده است (همان، ص ۲۲۶، ۲۲۷).

#### ۱۱-۱. معتقدان به فرزند نداشتن امام عسکری علیه السلام

به باور گروهی، امام حسن عسکری علیه السلام فرزندی نداشت. شیخ در نقد این نگرش به دو دسته دلیل روایی و نیز ترکیبی از برهان عقلی و شرعی، استناد کرده است؛ به اعتقاد شیخ طوسی بر پایه روایاتی که اثبات می‌کند ائمه به دوازده نفر منحصرند؛ این پندار باطل است (همان، ص ۲۲۲). همچنین با ذکر چهار روایت، بیان کرده است که هیچ امامی از دنیا نمی‌رود، مگر این که فرزندی برای او به دنیا آمده و جانشین خودش را می‌بیند (همان، ص ۲۲۲-۲۲۳). از سوی، لازمه این اعتقاد خالی شدن زمان از وجود امامی است که به او رجوع شود (همان، ص ۸۳).

#### ۱۲-۱. معتقدان به امامت یقینی امام عسکری علیه السلام و مردد در ولادت فرزندشان

گروهی امامت امام یازدهم علیه السلام را یقینی دانسته و معتقدند ولادت فرزند آن حضرت ثابت نیست (همان، ص ۸۲ و ۲۲۳). شیخ طوسی در پاسخ این دسته از دلایل روایی، آمیخته‌ای از عقل و نقل و نیز از دلیل عقلی بهره جسته است. به باور وی، دلایل اثبات صحت امامت فرزند امام حسن عسکری علیه السلام و انحصار امامان علیهم السلام در دوازده نفر، این دیدگاه را مخدوش می‌کند (همان، ص ۲۲۳). از سوی، بر پایه روایات هیچ امامی از دنیا نمی‌رود، مگر این که فرزند او به دنیا می‌آید و جانشین خویش را می‌بیند. شیخ طوسی، افزون بر چهار حدیث ذکر شده، یک روایت دیگر در این زمینه نقل می‌کند (همان، ص ۲۲۴). همچنین بر پایه دلایل عقلی و شرعی، زمان هرگز نباید از وجود امامی که به او رجوع شود، خالی باشد (همان). به اعتقاد شیخ، استدلال این گروه به روایت «تمسکوا بالاول حتی یصح لکم الاخر»؛ باطل است؛ زیرا حدیث یاد شده خبر واحد است، افزون بر این، سعد بن عبدالله روایت یاد شده را تأویل برده و آن را دلیل بر وجوب جانشین می‌داند؛ زیرا به اقتضای این تعبیر، اعتقاد به امام قبلی همچنان واجب است و هر گاه امام بعدی به خاطر تقیه در غیبت باشد، از احوال او بحث نمی‌شود تا خداوند اذن ظهور او را صادر فرماید و امامتش ظاهر شود (همان). علاوه بر این، قائلان به این اعتقاد منقرض شده‌اند



(همان، ص ۲۲۵).

#### ۱-۱۳. معتقدان به انقطاع امامت پس از امام عسکری علیه السلام

گروهی معتقدند امامت پس از امام حسن عسکری علیه السلام، نظیر نبوت پس از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم منقطع شده است. شیخ طوسی با بهره گیری از روش نقلی و نیز کاربست عقل و نقل، اعتقاد این گروه را باطل دانسته است و وی بیان می کند که بر پایه دلایل عقلی و شرعی، زمین هرگز نباید از وجود حجت الهی خالی باشد (همان). روایات دوازده گانه بودن ائمه علیهم السلام و نیز دلایل اثبات ولادت امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف پس از امام عسکری علیه السلام (همان، ص ۲۲۹-۲۵۱)؛ این دیدگاه را مخدوش کرده است (همان، ص ۲۲۵). افزون بر این، گروه مذکور انقراض یافته اند (همان).

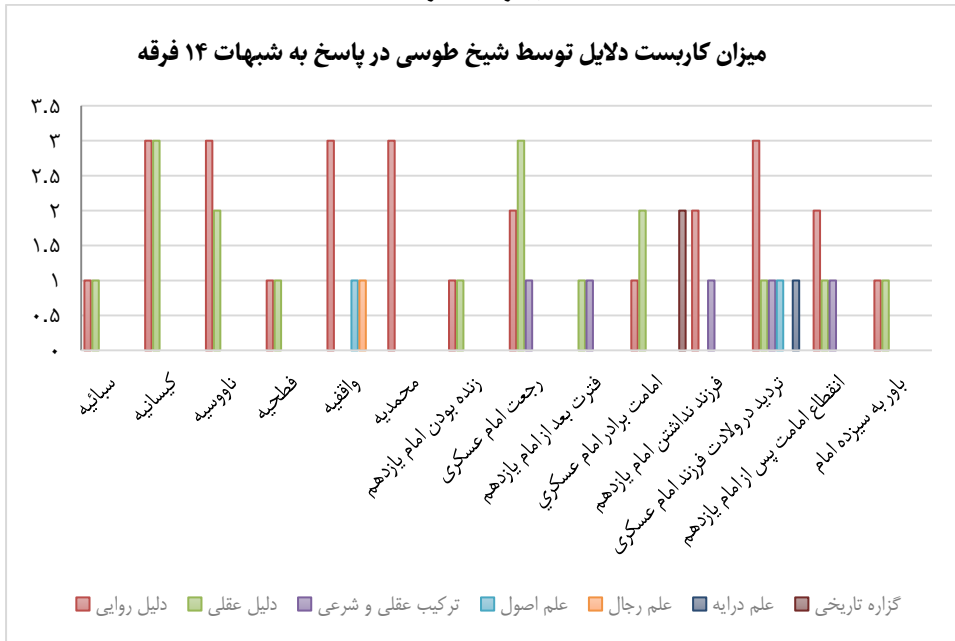
#### ۱-۱۴. معتقدان به امامت سیزده امام

گروهی دیگر به امامت سیزده امام معتقد و بر این باور بودند که حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف اولادی داشته و پس از ایشان، فرزندشان به امامت رسیده است. شیخ در نقد پندار این فرقه، از روش نقلی و عقلی بهره جسته و معتقد است بر اساس روایاتی که خلفای پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را دوازده نفر بر شمرده اند، اعتقاد این گروه باطل است (همان، ص ۲۲۸). افزون بر این، انقراض این گروه ها دلیل مستحکمی بر باطل بودن اعتقادشان است (همان).

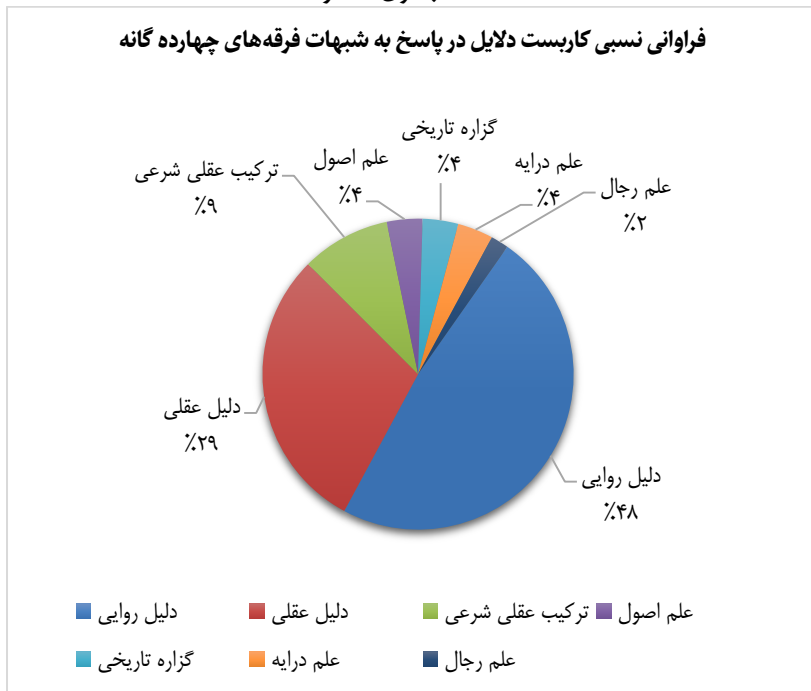
گفتنی است روش شیخ طوسی در پاسخ به شبهات فرقه های یادشده، در ادامه در جدول شماره یک به تفکیک بیان گردیده و در جدول شماره دو نیز میزان نسبی کاربست دلایل توسط شیخ در پاسخ به این شبهات نمایش داده شده است.



## جدول شماره ۱



## جدول شماره ۲



## ۲. شبهات مفروض شیخ

شیخ طوسی افزون بر واکاوی شبهات فرقه‌های مختلف، در کتاب الغیبه، شماری از شبهات مهدویت را با تعابیر «وجدت لبعض المتأخرین» (همان، ص ۵)؛ «أن یقال (همان، ص ۶) و «فإن قیل» (همان)؛ ذکر کرده است. به نظر می‌رسد این ادبیات، گویای شبهات مطرح در فضای نخبگانی جامعه است. گفتنی است این صنف از اشکالات در فاصله فصل اول تا پنجم کتاب «الغیبه» پراکنده‌اند. ایرادهای یاد شده به لحاظ محتوا به چهار بخش تقسیم می‌شوند:

۱-۲. اصل غیبت (۵ شبهه)؛

۲-۲. فلسفه غیبت (۱۰ شبهه)؛

۳-۲. ولادت امام (۳ شبهه)؛

۴-۲. طول عمر امام (۱ شبهه).

### ۱-۲. اصل غیبت

در این بخش، شیخ طوسی سه شبهه را از برخی متاخران و دو اشکال را با تعبیر «فان قیل» مطرح کرده است:

**اول:** وجوب تکلیف با وجود غیبت قبیح است. این مسئله همانند تکلیف ما لا یطاق است که حتی اگر برای آن خوبی و حسنی اثبات گردد؛ همچنان وجه قبح در آن باقی است (همان، ص ۵)؛

**دوم:** اعتقاد به غیبت، موجب نقض مسئله لزوم وجود امام در همه زمان‌هاست (همان، ص ۶)؛

**سوم:** وجود امام، مردم را از اعمال زشت و قبیح دور می‌کند؛ ولی این فایده با امام غایب حاصل نمی‌شود و لذا بین وجود امام غایب و عدم امام تفاوتی نیست؛ چون امام مبسوط الید نیست (همان).

شیخ در پاسخ به هر سه اشکال از دلیل عقلی بهره جسته است: در جواب به اولین شبهه معتقد است که اولاً، این افراد ادعایی بی دلیل مطرح کرده و وجه قبح را بیان نکرده‌اند؛ ثانیاً، هر عملی زمانی زشت است که ظلم، بیهوده، دروغ، دارای مفسده و یا از روی جهل باشد و در این جا هیچ



کدام وجود ندارد (همان). از سویی مبسوط الید نبودن امام غایب، با لطف الاهی منافی نیست؛ زیرا دلیل ما در دو حال حضور و غیبت امام لطف الاهی است. بنابراین، بین حضور و غیبت امام از این حیث تفاوتی وجود ندارد. آن چه به خدا بستگی دارد، خلق و ایجاد امام است؛ اما مبسوط الید نبودن امام به مکلفان برمیگردد (همان، ص ۷).

شیخ طوسی دومین اشکال را نیز مغالطه می‌داند (همان). وی برای اثبات این مدعا با تکنیک طرح سؤال و کاربست دلیل نقضی بیان می‌دارد، چگونه برای ما باورید که اصل شناخت خدا لطف است، با این که کافر، خدا را نمی‌شناسد؟ و اگر معیار شناخت ظاهری باشد، مکلف کردن کافر به شناخت خدا قبیح است؛ در حالی که برای ما باورید خداوند راه شناخت خود را مشخص و امکان وصول به آن را برای کافر میسر کرده است؛ اما وی به دلیل کوتاهی در اقدام به شناخت خدا، این معرفت و لطف را از دست داده است؛ از این رو موظف کردن کافر به کسب شناخت خدا قبیح نیست. این پاسخ در مورد امامت در زمان غیبت و دلیل لطف بودن آن نیز ساری است (همان، ص ۸).

شیخ طوسی در پاسخ به اشکال سوم معتقد است مستشکل مقدمات را وارونه جلوه داده و مغالطه کرده است؛ زیرا به باور شیعه، باز بودن دست امام چه در زمان غیبت و چه در زمان حضور واجب است (همان، ص ۹) و اگر امام به واسطه غیبت مبسوط الید نبود، باز هم وجودش واجب است. عدم فرمان برداری از امام و عدم بسط الید نیز ضربه‌ای است که مردم بر خود وارد کرده‌اند. شیخ در ادامه با دلیلی نقضی، بیان می‌دارد اگر از کسی که صلاحیت اداره جامعه را دارد، اطاعت نشود؛ کسی اهل حل و عقد را از تعیین چنین فردی منع نمی‌کند؛ زیرا آنان معتقدند مشخص کردن چنین فردی شرعا واجب است. بنابراین، پاسخ ما همانند این افراد است با این تفاوت که ما وجود امام را عقلا واجب می‌دانیم و آن‌ها معتقدند شرعاً این مسئله معلوم است (همان).

شیخ طوسی دو اشکال دیگر در زمینه اصل غیبت با تعبیر «فان قیل» مطرح می‌کند:

**اول:** چه تفاوتی است بین این که امام وجود داشته و غایب باشد تا زمانی که خداوند، فرمان برداری ما از ایشان را ببیند و حضرت را آشکار فرماید و این که امام اصلا وجود نداشته باشد و هر وقت خدا دانست که ما عزم اطاعت از ایشان را داریم، او را به وجود بیاورد؟ (همان، ص ۱۳)؛



**دوم:** هر وقت خداوند بداند که ما برای فرمانبرداری از امام آمادگی داریم او را ایجاد می‌کند؛ همان طور که طبق عقیده شما ظهور او در چنین زمانی واقع می‌شود (همان).  
 شیخ در پاسخ به ایراد اول از دلیل عقلی و گزاره تاریخی استفاده کرده است. به اعتقاد وی، خداوند اطاعت از کسی را که موجود نیست، بر ما واجب نمی‌کند؛ چرا که این، امر به «ما لا یطاق» است (همان). همان‌گونه که در مدت سه سال مخفی شدن رسول خدا ﷺ در شعب ابیطالب و نیز هنگامی که در غار ثور بودند، اطاعت از پیامبر بر مردم واجب بود و نمی‌توان گفت مردم مکلفند از پیامبری که موجود نیست، اطاعت کنند (همان، ص ۱۵). در پاسخ به اشکال دوم، بر پایه دلیل عقلی، بر این باور است فرمانبرداری از امام در تمامی احوال در حد توان بر ما واجب است؛ زیرا در غیر این صورت، تکلیف درست نیست و این اشکال در صورتی صحیح است که در غیبت و ظهور بر اطاعت از حضرت مکلف نباشیم (همان، ص ۱۳).

## ۲-۲. فلسفه غیبت

شیخ طوسی «فلسفه غیبت» را با برهان عقلی حکمت خداوند تفسیر کرده است؛ با این تفصیل که غیبت امام دوازدهم عجل الله تعالی فرجه الشریف، نظیر فلسفه بیماری کودکان و از این قبیل امور بر اساس حکمت است؛ گرچه جزئیات دلیل آن‌ها را ندانیم (همان، ص ۸۵). وی با طرح ده اشکال در زمینه سبب غیبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف؛ به بررسی و رد آن‌ها پرداخته است:

**اشکال اول:** عدم اقامه دلیل بر توجیه غیبت، دلیل بطلان اعتقاد به امامت حضرت است (همان، ص ۸۶):

شیخ با کاربست دلیل عقلی و تکیه بر برهان حکمت، به نقد ایراد مذکور پرداخته و بر این باور است که لازمه این سخن پذیرش دیدگاه کافران است؛ مبنی بر این معتقدند افعالی که ظاهراً با حکمت موافق نیستند، بر حکیم نبودن فاعل خود دلالت می‌کنند؛ در حالی که وقتی با دلیل حکیم بودن خداوند ثابت شد؛ موارد به ظاهر مشتبّه و ناسازگار با آن را بر همان حکمت حمل می‌کنیم. علت غیبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز فرع بر اثبات امامت ایشان است. وقتی با دلایل مختلف امامت امام ثابت شد، غیبت حضرت هم به گونه‌ای حمل می‌شود که با امامت ایشان سازگار باشد (همان).



**اشکال دوم:** چرا خداوند مانع آسیب رساندن آدمیان به امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف نمی‌شود؛ چنان که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را از هنگام بعثت تا زمان ابلاغ رسالت از دشمنان حفظ کرد؟ (همان، ص ۸۹):

شیخ طوسی با تمرکز بر دلیل عقلی معتقد است منع خداوند دو نوع است: نخست، ممنوعیتی که با تکلیف منافات نداشته باشد و دوم، منعی که با تکلیف مغایر است. اگر بر پایه نوع دوم، خداوند به اجبار مانع آزار رساندن مردم به امام شود؛ با تکلیف و اختیار منافات دارد و نقض غرض است (همان، ص ۸۹ و ۳۲۹). در مورد پیامبر هم لازم بود خداوند وی را حفظ کند؛ زیرا آسیب به ایشان ابلاغ رسالت را غیر ممکن می‌ساخت؛ اما در مورد امام چنین نیست؛ زیرا راه شناخت شریعت قبل از امام برای مردم مشخص شده است (همان، ص ۹۰).

**اشکال سوم:** علت غیبت امام زمان عج چیست؟ (همان):

شیخ طوسی با بهره‌گیری غیر مستقیم از روایات، و نیز استناد تاریخی و دلیل عقلی، علت مهم غیبت را حفظ جان امام می‌داند؛ زیرا امام تنها واسطه فیض الهی است؛ چنان که در شعب ایبطالب و غار ثور، جان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را حفظ کرد (همان). از سویی اگر خداوند مصلحت را در تقویت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف با کمک ملائکه می‌دانست، این کار را انجام می‌داد. بنابراین، با توجه به ثبوت حکمت و لزوم رفع مانع از تکلیف مکلفان، مشخص می‌شود که این کار به مصلحت نبوده و چه بسا در آن مفسده‌ای وجود داشته است (همان، ص ۹۲).

**اشکال چهارم:** اگر ترس، امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را به غیبت مجبور کرده است؛ چرا پدران ایشان که از دشمنان در خوف بودند، به تقیه عمل می‌کردند؟ (همان):

شیخ طوسی با کاربرد شیوه نقلی معتقد است با توجه به روایات متواتر دال بر قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، جای تقیه نیست. وی این شاخصه را گویای تفاوت شرایط امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف با امامان پیشین دانسته است. افزون بر این، سایر امامان علیهم السلام پس از شهادت، جانشینی داشتند که صلاحیت امامت را دارا بوده است؛ بر خلاف امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف که در صورت شهادت، کسی جانشین ایشان نمی‌شود (همان، ص ۹۲-۹۳ و ۳۳۰-۳۳۱).

**اشکال پنجم:** بین وجود امام غایب که در دسترس نیست با امامی که در آسمان‌ها باشد؛ چه تفاوتی هست؟ (همان، ص ۹۳):

در پاسخ این اشکال، شیخ بر روش عقلی تمرکز یافته است. به اعتقاد وی اگر امام در آسمان

باشد و تمام اخبار اهل زمین به او برسد و بر احوال مردم اشراف تام داشته باشد؛ بین آسمان و زمین تفاوتی نیست و اگر مطلع نباشد، به منزله عدم است (همان).

**اشکال ششم:** در زمان غیبت امام، اگر حدود الاهی ساقط شوند، نسخ شریعت است و اگر باقی هستند با توجه به غیبت امام چه کسی باید آن‌ها را اقامه و اجرا کند؟ (همان، ص ۹۴):  
به اعتقاد شیخ طوسی، در زمان غیبت، اجرای حدود بر عهده مستحقان باقی است و هنگام ظهور امام، اگر آن‌ها زنده بودند، امام حد را جاری می‌کند و اگر مرده باشند، گناه عدم اجرای حد بر عهده کسانی است که موجب خوف و غیبت امام شده‌اند. بنابراین اقامه حدود در زمان غیبت نسخ نشده است؛ زیرا برپاداشتن حدود زمانی واجب می‌شود که برای امام از اجرای آن مانعی وجود نداشته باشد (همان). شیخ در ادامه، با کاربست جواب نقضی این اشکال را متوجه مخالفان دانسته که اگر اهل حل و عقد نتوانستند امامی را انتخاب کنند؛ در این صورت، حکم حدود الاهی چه می‌شود؟! اگر بگویند حدود ساقط می‌شود که این، به معنای نسخ شریعت است که شما ما را بدان متهم کردید و اگر بگویند بر عهده مستحق باقی است، همان جوابی است که گفته شد (همان).

**اشکال هفتم:** با توجه به غیبت امام، چگونه می‌توان به اعتقادات حق رسید؟ اگر راهی نیست، خداوند مردم را در حیرت قرار داده و اگر با دلایل به حق می‌رسیم، پس به امام غایب نیازی نیست (همان، ص ۹۵):

شیخ طوسی با توسل به دلیل عقلی، معتقد است از دو راه می‌توان به حق رسید: برهان‌های عقلی و دلایل نقلی. افزون بر این، در هر زمان به وجود امام معصوم نیازمندیم. بنابراین، وجود ایشان لطف است و به همین دلیل، هیچ کسی یا امری نمی‌تواند جایگزین او باشد (همان).

**اشکال هشتم:** اگر راویان احادیث، برخی از دستورهای شرعی را کتمان کرده باشند و اعتقاد هم فقط از طریق امام فهمیده شود، چهار فرض مطرح می‌شود:

نخست: امام باید حق را بیان کند از طرفی امام هم به دلیل ترس از کشته شدن غایب است؛ دوم: باید امام ظاهر شود؛ حتی اگر خطر کشته شدن ایشان وجود داشته باشد. پس ترس از کشته شدن، دلیل موجهی برای غیبت نیست؛

سوم: امام ظاهر نمی‌شود و آن دسته از احکام که از امت پنهان مانده‌اند، ساقط می‌شوند که در



این صورت، شیعه از اجماع امت اسلامی خارج می‌گردد؛ زیرا امت اسلامی اجماع دارند که شریعت پیامبر تا روز قیامت لازم الاجرا است؛

چهارم: تکلیف ساقط نمی‌شود؛ در این صورت، تکلیف غیر مقدور به عهده مردم گذاشته شده و عملی واجب گردیده است که برای رسیدن به آن راهی وجود ندارد (همان، ص ۹۶):

شیخ طوسی با کاربرد دلیل عقلی در دو محور، چهار فرض یاد شده را پاسخ می‌دهد: نخست: اگر خداوند بداند که امام مدت طولانی به تقیه مجبور بوده و ترس از کشته شدن توسط دشمنان وجود دارد؛ آن دسته از تکالیف از عهده کسانی که برای رسیدن به آن‌ها راهی ندارند؛ برداشته می‌شوند (همان)؛

دوم: از سویی بر اساس اجماع امت، دستورهای دینی تا روز قیامت ثابت هستند. پس اگر نقل بخشی از احکام شرع قطع شود، این اتفاق در زمانی خواهد بود که امام بتواند ظهور و حق را اعلام کند (همان) و در حقیقت، زمان ظهور همان وقت است. شیخ در ادامه با توجه به آرای عالمان هم عصر خویش یادآوری می‌کند که بر پایه دیدگاه سید مرتضی، اگر علت غیبت امام ترس از کشته شدن توسط کسانی است که موجب این ترس شده‌اند، ضرر از دست دادن بخشی از دستورهای دینی، متوجه خود آن‌هاست (همان، ص ۹۷).

**اشکال نهم:** علت غیبت امام از شیعیان و دوستداران‌شان چیست؟ (همان):

شیخ طوسی با کاربرست دلیل عقلی بیان می‌کند که مخفی شدن امام از تمامی دوستداران، یقینی نیست. بنابراین، اگر امام برای کسی ظاهر نشود، آن شخص می‌داند که این امر به عمل خودش باز می‌گردد (همان، ص ۹۹). گفتنی است شیخ در ادامه بر پایه دیدگاه سید مرتضی، اصل سؤال را باطل دانسته است؛ زیرا هدف سؤال کننده از دو فرض خارج نیست:

نخست: در زمان غیبت برای دوستداران امام لطف حاصل نشده است. پس محب او نسبت به امام تکلیفی ندارد. این فرض باطل است؛ زیرا لطف در مورد شیعیان حاصل شده است؛ چون علم به وجود امام غایب که هر لحظه امکان ظهور او پابرجاست؛ موجب ترك گناه و اجرای واجبات می‌شود (همان، ص ۱۰۴)؛

دوم: لطف وجود امام از علاقه‌مندان حضرت فوت نشده است؛ اما چرا برای آن‌ها ظهور نمی‌کند؟ این احتمال نیز باطل است؛ زیرا ظاهر بودن امام در هر حالتی لازم نیست (همان).



افزون بر این، لطف وجودی امام از طریق دیگری حاصل شده است؛ زیرا به واسطه وجود حضرت، شیعیان به رسیدن تمامی شریعت اعتماد دارند؛ اما در غیر این صورت، اعتماد مذکور حاصل نمی‌شود و احتمال مخفی شدن بسیاری از احکام دین، یا از بین رفتن آن‌ها وجود داشت (همان، ص ۱۰۵).

**اشکال دهم:** چگونه می‌توان هنگام ظهور دریافت که ترس از جان امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف برداشته شده است؟ آیا با وحی، به امام که وحی نمی‌شود؟ یا از طریق علم بدیهی؟ که نیاز به تفکر ندارد و با تکلیف هم منافی است. اماره نیز گمان آور است و جان امام را به خطر می‌اندازد؛ (همان، ص ۳۳۱):

شیخ طوسی نخست با کاربست شیوه روایی معتقد است که خداوند به وسیله علم و بیان پیامبر و پدران امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، زمان غیبت و هنگامه از بین رفتن ترس و فرارسیدن ظهور را به آن حضرت خبر داده است؛ اما به دلیل مصالحی این امر مخفی است. بنابراین، امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف به اماره مراجعه نمی‌کند. وی در ادامه با احتمال عقلی، مبنی بر حجیت ظن غالب، بیان می‌کند که ممکن است ظن غالب ملاک باشد؛ بدین صورت که به کمک اماره و علایم گمان قوت و قدرت برای حاکمیت برای ایشان حاصل گردد (همان).

## ۲-۳. ولادت امام

شیخ طوسی در زمینه ولادت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف سه ایراد مطرح می‌کند:

**اشکال اول:** ولادت مخفیانه امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف غیر عادی است (همان، ص ۱۰۵):

شیخ برای پاسخ به اشکال یاد شده، از نقل تاریخ و آیات قرآن بهره جسته است. وی به نقل از تاریخ طبری به ولادت کیخسرو اشاره می‌کند که مادرش از ترس قتل او توسط جد پدری کیخسرو، ولادتش را پنهان داشت (همان). شیخ طوسی در ادامه به بیان ولادت مخفیانه حضرت ابراهیم عجل الله تعالی فرجه الشریف و حضرت موسی عجل الله تعالی فرجه الشریف که در قرآن بازگو شده، پرداخته (همان) و معتقد است ولادت حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف هم مانند این نمونه‌هاست (همان، ص ۱۰۶).

**اشکال دوم:** چگونه ممکن است امام عسکری عجل الله تعالی فرجه الشریف فرزندی داشته باشد؛ اما مادرش را وصی موقوفات و صدقات خود قرار دهد؟ (همان، ص ۱۰۷):



شیخ طوسی علت عمل امام عسکری علیه السلام را حفظ جان فرزندش از کشته شدن دانسته است (همان)؛ سپس با استناد به تاریخ، نظیر آن را از امام صادق علیه السلام ذکر می‌کند که برای حفظ جان امام هفتم علیه السلام پنج نفر را به عنوان وصی مشخص کردند (همان، ص ۱۰۸).

**اشکال سوم:** عدم اطلاع از مکان امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف حتی توسط افراد مورد اطمینان از زمان ولادت تا زمان ظهور؛ امری خارج از عرف و عادت است (همان):

شیخ طوسی با استناد به تاریخ و روایات و دلیل عقلی و آیات قرآن، این گونه به پاسخ شبهه مذکور می‌پردازد:

نخست: به اعتقاد شیعه، تعدادی از اصحاب خاص امام عسکری علیه السلام، امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را در زمان حیات ایشان دیده‌اند (همان، ص ۱۰۸-۱۰۹):

دوم: بر پایه روایات، آن حضرت دارای دو غیبت است که یکی از دیگری طولانی‌تر است (همان، ص ۱۶۲-۱۶۳). در غیبت اول، اخبار امام به وسیله سفیران دیندار و مورد اطمینان مردم، به شیعیان رسانده می‌شد؛ اما در غیبت دوم، خبر حضرت به مردم نمی‌رسد (همان، ص ۱۰۹):

سوم: ممکن است خداوند در مورد پنهان کردن شخصی، عرف و عادت را نقض کند و به خاطر پاره‌ای از مصالح و نیز موانعی که در ظهورش است، وی را مخفی کند (همان):

چهارم: موضوع غیبت در قرآن کریم نیز دارای پیشینه تاریخی است. از میان پیامبران، حضرت خضر، موسی، یوسف و یونس؟ علمهم؟ نیز به غیبت مجبور شدند. همچنین در قرآن به غیبت اصحاب کهف و صاحب حمار اشاره شده است (همان، ص ۱۰۹-۱۱۱):

پنجم: مسئله غیبت در تاریخ نیز دارای نمونه‌هایی است که مورخان آن را گزارش کرده‌اند؛ نظیر جماعتی از حکمای روم و هند که غیبت‌ها و حالات خارج از عادت از آن‌ها سر زده است (همان، ص ۱۱۲).

## ۲-۴. طول عمر امام

شیخ طوسی درباره طول عمر امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف يك شبهه ذکر کرده است؛ مبنی بر این که ادعای بقای آن حضرت در کمال قوه عقل و جوانی، نقض عادت یا همان معجزه است که به

انبیا اختصاص دارد (همان).

شیخ با کاربری تاریخ، عقل، روایات و آیات قرآن، ضمن سه محور، ایراد یاد شده را پاسخ می‌دهد:

۱. طول عمر نقض عادت نیست؛ زیرا به گواهی تاریخ، تعداد فراوانی عمر طولانی داشته‌اند؛ مثلاً به تصریح قرآن، حضرت نوح ۹۵۰ سال فقط عهده‌دار پیامبری بوده و همچنین سلمان فارسی عمری طولانی داشته است. برخی روایت کرده‌اند که دجال در عصر پیامبر ﷺ وجود داشته و تا زمانی که قیام کند، زنده است (همان، ص ۱۱۳ و القشیری النیسابوری، بی‌تا: ج ۴، ص ۲۲۴۶). وی در ادامه داستان بیش از بیست نفر از کهنسالان همچون لقمان بن عاد و ربیع بن ضبع را ذکر کرده است (همان، ص ۱۱۳. ۱۲۵)؛

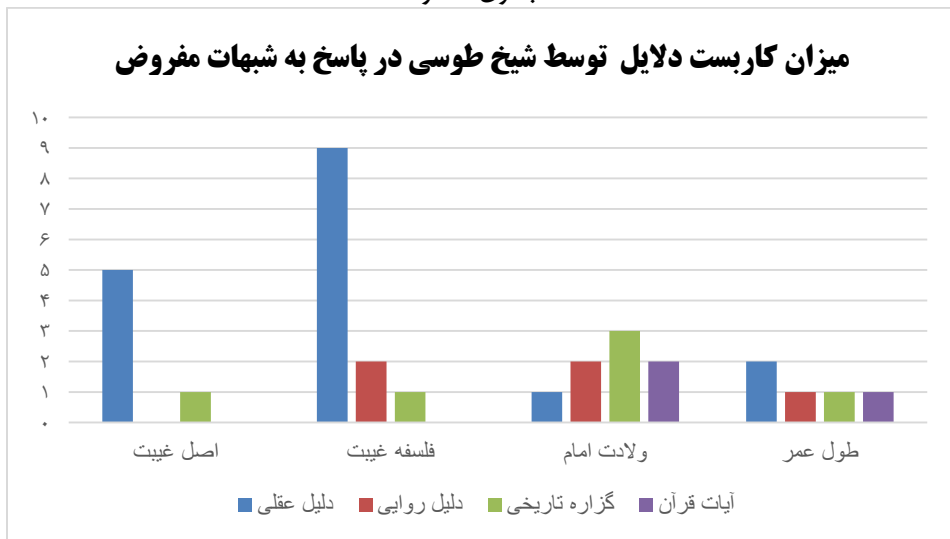
۲. این عالم مصنوع صناعی است که عادت را بر کوتاهی و طولانی بودن عمرها جاری کرده است. همان آفریننده بر طولانی‌تر کردن عمر تواناست (همان، ص ۱۲۵)؛

۳. خداوند عادت را بر این قرار داده که پیری بر انسان عارض شود؛ اما این امر را بر خود واجب نکرده است. بنابراین، قادر است این عادت را در مواردی جاری نکند (همان، ص ۱۲۶).

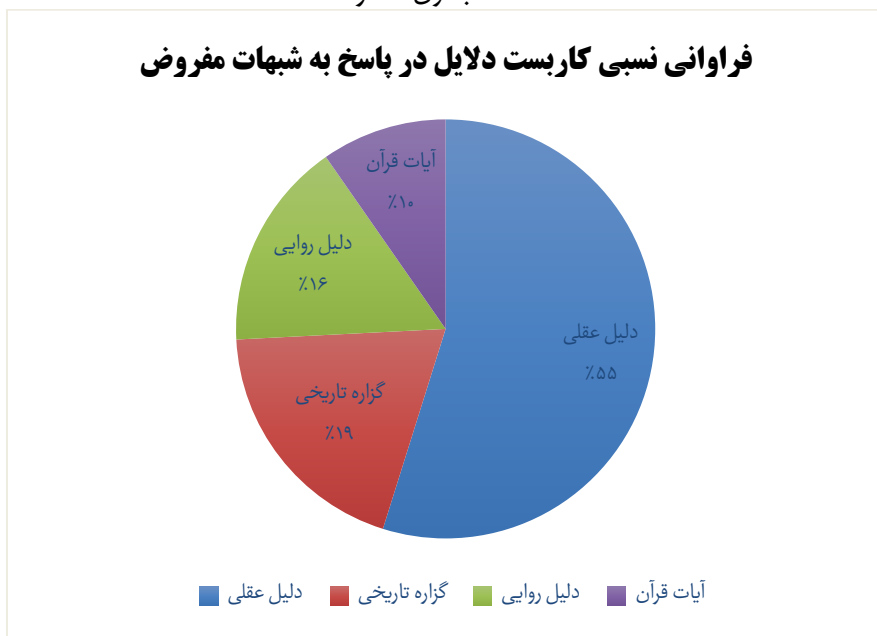
گفتنی است روش شیخ طوسی در پاسخ به شبهات مفروض، در ادامه در جدول شماره ۳ بیان گردیده و در جدول شماره ۴ نیز میزان نسبی کاربری دلایل توسط شیخ در پاسخ به شبهات یاد شده، آمده است:



جدول شماره ۳



جدول شماره ۴





## نتیجه گیری

در عصری که شیعه با فقدان امام روبه‌رو بود و فرقه‌های گوناگون در جهت استحکام خود، به القای شبهه علیه باورهای امامیه، از جمله «مهدویت» پرداخته بودند؛ شیخ طوسی بر پایه قرآن و روایات و سنجه عقل، به تثبیت عقاید شیعه مبادرت وزیدند و دیدگاه‌های منحرفان را در زمینه امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف مورد مناقشه قرار داد. مسئله اصلی نوشتار حاضر، واکاوی روش پاسخ‌گویی شیخ طوسی به شبهات مهدویت در کتاب الغیبه است. شیخ در فصل اول تا پنجم کتاب یاد شده، دو دسته شبهه را به صورت پراکنده مطرح و نقد کرده است؛ که بخشی به شبهات چهارده فرقه درون شیعی و بعضی دیگر شبهات مفروضی است که در آن عصر مطرح بوده‌اند. بر اساس یافته‌های پژوهش، روش شیخ طوسی در پاسخ به شبهات فرقه‌های درون شیعی به شرح زیر است:

«سبأئیه»، کاربرد عقل و روایات؛ «کیسانیه»، سه دلیل عقلی و سه دلیل نقلی؛ «ناووسیه»، دو دلیل عقلی و سه دلیل نقلی؛ «فطحیه»، یک دلیل عقلی و یک دلیل نقلی؛ «واقفیه»، سه دلیل نقلی، علم اصول، رجال، درایه، تاویل روایات و بیان احتمالات مختلف در دلالت روایت؛ «محمدیه»، سه دلیل نقلی؛ «قائلان به زنده بودن امام یازدهم»، یک دلیل عقلی و یک دلیل عقلی؛ «قائلان به رجعت امام عسکری علیه السلام»، سه دلیل عقلی و دو دلیل نقلی و یک دلیل عقلی و شرعی؛ «قائلان به فترت بعد از امام یازدهم علیه السلام»، تمرکز بر دلیل عقلی و ذکر دلیل عقلی - شرعی؛ «معتقدان به امامت برادر امام عسکری علیه السلام»، یک دلیل نقلی، دو دلیل عقلی و دو گزاره تاریخی؛ «قائلان به فرزند نداشتن امام یازدهم علیه السلام»، دو دلیل نقلی، ترکیبی از برهان عقلی و شرعی؛ «معتقدان به امامت یقینی امام عسکری علیه السلام و تردید در ولادت فرزندشان»، سه دلیل نقلی، یک دلیل اصولی، یک دلیل درایه و یک دلیل عقلی و شرعی؛ «قائلان به انقطاع امامت پس از امام یازدهم علیه السلام»، دو دلیل روایی، یک دلیل عقلی و یک دلیل عقلی - شرعی و سرانجام «باورمندان به سیزده امام»، یک دلیل نقلی و یک دلیل عقلی.

همچنین نگارنده، شبهات مفروض مطرح شده توسط شیخ را بر اساس محتوا چهار دسته کرده است:

اصل غیبت (۵ شبهه): سه شبهه با دلیل عقلی، شبهه چهارم با کاربرد عقل و گزاره تاریخی و



شبهه پنجم با دلیل عقلی پاسخ داده شده است. فلسفه غیبت (۱۰ شبهه): شبهه ۱، ۲، ۵، ۶، ۷، ۸، ۹ با کاربری دلیل عقلی و شبهه ۳ با استناد به گزاره تاریخی، دلیل عقلی و استفاده غیر مستقیم از روایات، و شبهه ۱۰ نیز با بهره‌گیری از دلیل نقلی و عقلی پاسخ داده شده است. ولادت امام (۳ شبهه): شبهه ۱ با بهره‌گیری از تاریخ و آیات قرآن، شبهه ۲ با کاربرد روایات و تاریخ، و شبهه ۳ با کاربری قرآن، روایات، تاریخ و دلیل عقلی پاسخ داده شده است. طول عمر (۱ شبهه) که آن نیز با استناد به دلایل تاریخی، عقلی، روایی و قرآن پاسخ داده شده است.

## منابع

### قرآن مجید.

۱. ابن اثیر، علی بن أبی الکریم (۱۴۱۵ق). *الکامل فی التاریخ*، محقق: عبدالله القاضی، بیروت، دار الکتب العلمیه.
۲. ابن جوزی، عبد الرحمن بن علی (۱۳۵۸ق). *المنتظم*، بیروت، دار صادر.
۳. احمدی کچایی، مجید (پاییز ۱۳۹۳). *تحلیلی بسترشناسانه درباره کتاب الغیبه شیخ طوسی*، فصلنامه پژوهش های مهدوی، ش ۱۰، ص ۶۱-۸۲.
۴. امین، سید محسن (۱۴۰۳ق). *أعیان الشیعة*، محقق: حسن امین، بیروت، دارالتعارف.
۵. جرجانی، علی بن محمد (۱۴۰۵ق). *التعریفات*، محقق: ابراهیم الأبیاری، بیروت، دارالکتب العربی.
۶. حلی، حسن بن یوسف (۱۴۱۷ق). *خلاصة الأقوال*، محقق: جواد قیومی، قم، مؤسسه نشر الفقاهه.
۷. خوانساری، محمد (۱۳۷۴). *منطق صوری*، تهران، آگاه.
۸. ذهبی، محمد بن أحمد (۱۴۱۳ق). *سیر أعلام النبلاء*، محقق: شعیب الأرنؤوط، بیروت، مؤسسه الرسالة.
۹. رستمی، حیدرعلی (۱۳۹۲). *بررسی توصیفی و تحلیلی کتاب الغیبه شیخ طوسی*، قم، بوستان کتاب.
۱۰. سبحانی، جعفر (بی تا). *بحوث فی الملل والنحل*، قم، مؤسسه امام صادق علیه السلام.
۱۱. سیوطی، جلال الدین (۱۴۲۴ق). *معجم مقالید العلوم*، محقق: محمد ابراهیم عباده، القاهره، مكتبة الآداب.
۱۲. شهرستانی، محمد بن عبدالکریم (۱۴۰۴ق). *الملل والنحل*، محقق: سید محمد کیلانی، بیروت، دار المعرفة.
۱۳. صبائی، مهدی (خرداد ۱۳۹۱). *بررسی مهدویت در آثار شیخ طوسی*، پایان نامه ارشد، قم، دانشگاه علوم و حدیث.
۱۴. صداقت کشفی، سید محمد جواد و همای، عباس (بهار و تابستان ۱۳۹۶). *مقایسه رویکرد مهدویت نگاری شیخ صدوق و شیخ طوسی*، پژوهش نامه قرآن و حدیث، ش ۲۰، ص ۲۵-۴۸.
۱۵. طوسی، محمد بن الحسن (۱۴۰۹ق). *التبیین فی تفسیر القرآن*، محقق: أحمد حبیب قصیر، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۱۶. \_\_\_\_\_ (بی تا). *العدة فی أصول الفقه*، محقق: محمد مهدی نجف، قم، مؤسسه آل البيت.

۱۷. \_\_\_\_\_ (۱۴۱۱ق). **الغيبه**، محقق: الشيخ عباد الله الطهراني و الشيخ علي أحمد ناصح، قم، مؤسسة المعارف الإسلامية.
۱۸. \_\_\_\_\_ (۱۴۱۷ق). **الفهرست**، محقق: جواد قیومی، قم، مؤسسة نشر الفقاهة.
۱۹. \_\_\_\_\_ (۱۳۸۶). **كتاب غيبه**، مترجم: مجتبی عزیزی، قم، مسجد جمکران.
۲۰. طهرانی، آقا بزرگ (بی تا). **الذریعة**، بیروت، دار الأضواء.
۲۱. فرمانیان، مهدی (۱۳۸۷). **آشنایی با فرق تشیع**، قم، مرکز مدیریت حوزه علمیه قم.
۲۲. القشیری النیسابوری، مسلم بن الحجاج (بی تا). **الجامع الصحیح (صحیح مسلم)**، محقق: محمد فؤاد عبد الباقي، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
۲۳. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۴). **شرح برهان شفاء**، محقق: محسن غرویانی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته الله علیه.
۲۴. نجاشی، احمد بن علی (۱۴۱۶ق). **رجال النجاشی**، قم، مؤسسة النشر الإسلامی.
۲۵. نعمانی، محمد بن ابراهیم (۱۴۲۲ق). **الغيبه**، محقق: فارس حسون کریم، قم، أنوار الهدی.
۲۶. نوبختی، حسن بن موسی (۱۳۸۶). **فرق الشیعه**، مترجم: محمد جواد مشکور، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.